

نخستین تفسیر فارسی شیعی

یعیسوب عباسی علی کمر

چکیده

قرآن کتابی است هدايتگر و منبع همه علوم که دانشمندان علوم مختلف هر کس به اندازه خود از آن بهره مند می گردند، که اولین تفسیر و تعلیم این کتاب آسمانی را پیغمبر بزرگوار شخصاً به عهده داشت و با زبان بسیار ساده و جالب و در خور فهم همگانی مفاهیم آن را بیان می فرمود و پس از رحلت آن بزرگوار صحابه و تابعان عهده دار تبیین مفاهیم قرآنی شدند ولی با وسعت گرفتن دامنه فتوحات اسلامی و تماس مسلمانان با فرق مختلف هر روز بحث های مختلفی مربوط به عقاید و آرای مذهبی و ... به میان آمد و در نتیجه در روش استفاده از تفسیر قرآن اختلافاتی بین علمای اسلامی ایجاد شد زیرا متصوفه، متکلمان، فلاسفه، اخباریان هر کدام برداشت ویژه ای از مفاهیم قرآنی داشتند بنابراین نیاز شدیدی به تفسیر و تبیین آیات احساس شد و از قرن دوم به بعد دانشمندان تلاش کردند که به بیان (مراد الله) بپردازند و تفسیر نویسی شروع و تا به امروز ادامه دارد. در قرن ششم زمخشری کشاف را و علامه طبرسی مجمع البیان را تألیف کردند و ابوالفتوح رازی هم تفسیرش را بر مذاق شیعه و به زبان فارسی نوشت که مورد توجه دانشمندان فریقین قرار گرفت و تذکره نویسان از او به تبحر در تفسیر یاد کرده اند. تفسیرش در سبک و نگارش از نثر فصیح آمیخته با علوم و فنون ادبی است و از اشعار عربی و فارسی برای تبیین مفردات جملات استفاده کرده و تفسیرش را با حمد و ستایش بر خداوند و سلام و درود بر پیغمبر اسلام آغاز کرده و با تنظیم اصولی در مورد علوم مختلف قرآنی به مطالب تفسیر پرداخته است.

مقدمه

ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم... (اسراء، ۹/۱۷)

قرآن کتابی است جامع که فقها احکام را استخراج می کنند. نحویان قواعد اعرابی را از آن می گیرند. بیانینون حسن نظام کلمات را یاد می گیرند. خطبا از فصاحت و بلاغت آن بهره می گیرند. وعاظ، اخبار و قصص و تاریخ آن را مورد استفاده قرار می دهند و...
 با نگرشی کلی می توان گفت هر گروهی از دانشمندان با توجه به علوم خود خوشه چین خرمن علوم و معارف قرآن هستند. از این رو برای درک علوم قرآنی و معارف و مفاهیم آیات

نیاز به تعلیم و تفسیر قرآن دارند و علم تفسیر برای کشف مقصود و مضمون آیات از قدیمی ترین اشتغالات علمی جامعه اسلامی است و در حقیقت از زمان نزول قرآن مجید آغاز شده است و بدون تردید نخستین مفسر قرآن کریم شخص پیامبر بزرگوار اسلام (ص) بوده زیرا به گواهی خود قرآن آن حضرت مبین و معلم اصلی این کتاب الهی است.

وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون (نحل، ۴۴/۱۶)

در این مورد دانشمندان قرآن شناس ادله و شواهد فراوانی ارائه داده اند، به طوری که ابوالفتوح رازی، جلال الدین سیوطی، ابن خلدون، طبرسی و سایرین در آثار و نوشته های خود این واقعیت را بیان کرده اند که قرآن کریم در زمان حیات رسول الله (ص) به طرز بسیار ساده و جالب و در خور فهم همگان بیان می شد مع الوصف به نظر می رسد برخی از آیات و تعابیر و الفاظ بود، که زبان شناسان عرب هم مفاهیم و مقاصد آن را درست دریافت نمی کردند، لذا از رسول الله (ص) تشریح و تفسیر آن را می خواستند.

ابن خلدون می نویسد:

با اینکه قرآن به زبان عربی نازل گردیده و اسلوب بلاغی و سبک آن با زبان عربی هماهنگی دارد و عرب زبانان عصر پیامبر (ص) معانی قرآن را در قالب تک واژه ها و جمله بندی های آن درک می کردند ولی رسول گرامی اسلام مطالب مجمل قرآن را تفسیر می فرمودند و ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آن را باز می شناساند. برای نمونه وقتی این آیه شریفه: الذین امنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون (انعام، ۸۱/۶) نازل شد. مردم به پیامبر عرض کردند کدام یک از ما بخود ظلم نکرده ایم؟ تا مشمول امن و هدایت باشد؟ رسول اکرم (ص) ظلم را به شرک تفسیر فرموده و در تأیید آن آیه: یا بنی لانشرک باللّه ان الشرک لظلم عظیم (لقمان، ۱۳/۳۱) را قرائت کردند.^۱

بدین سان می توان گفت که پیامبر اسلام (ص) روش تفسیر آیات با آیه قرآن را پایه گذاری فرمود و به مفسران قرآن آموخت.

سیری در مراحل تفسیر

تاریخ نشان می دهد که طبقه اول مفسران را عده ای از یاران و اصحاب رسول الله تشکیل می دادند. تفسیر قرآن در عصر صحابه از نیمه دوم قرن اول به مرور قوت گرفت و بزرگ ترین

مفسران پس از پیامبر اسلام (ص)، علی (ع)، ابن عباس، ابن مسعود و عده دیگری از صحابه بودند که بصورت ساده و همه فهم به کمک آیات قرآنی و روایات اسلامی تفسیر آیات را بیان می کردند و تا مدتی این وضع در میان مفسران تابعان هم ادامه پیدا کرد منتها در زمان تابعان دایره تفسیر بر مبنای روایات تا اندازه ای توسعه داده شد. ضمناً روایات مجهول هم که بوسیله عده ای جعل شده بود در میان احادیث در زمان تابعان به چشم می خورد و با وسعت گرفتن فتوحات مسلمین و تماس آنها با فرق مختلف جهان آن روز طبعاً بحث های اعتقادی، کلامی عقلی و فلسفی نیز شایع شد و مقارن آن تصوف رایج گردید و جمعی ب فکر افتادند که حقایق دینی را به اصطلاح خودشان از راه ریاضت نفس بدست آوردند و جمع دیگری بنام محدثان و اخباریان بر عقاید خودشان که معارف دینی را فقط از ظواهر آیات و روایات می توان دریافت کرد پافشاری می کردند و اینان چنان طوفان شدیدی از اختلافات مذهبی و بدنبال آن اختلاف در روش استفاده تفسیر بوجود آوردند که تقریباً فقط کلمه «لا اله الا الله و محمد رسول الله» کلمه مشترکی بین مسلمانان ماند و در بقیه مطالب مانند صفات و افعال خدا، قضا و قدر، جبر و اختیار، تفویض، ثواب و عقاب، مرگ و برزخ و نظایر آن آرا و افکار مسلمین به اختلاف کشانده شد و به همین جهت در مورد معانی، مفاهیم قرآنی نیز با یکدیگر اختلاف پیدا کردند که به طور خلاصه در حوزه مفهوم تفسیر فضایی بشرح زیر بوجود آمد.

الف: اخباریون در تفسیرهای خود از ظواهر قرآن استفاده کرده و به نقل روایات اکتفا کردند.

ب: متکلمان به تفسیر آیات بر طبق اصول مذهبشان پرداختند، یعنی آنچه را که موافق مذهبشان دیدند گرفتند و باقی را تا آنجایی که مذهبشان اجازه می داد تأویل کردند.

ج: فلاسفه نیز به سرنوشت متکلمان دچار شدند و بجای تفسیر، در گرداب تطبیق افتادند.

د: متصوفه مدعی بودند که مشغول سیر باطنی هستند و توجهشان به آیات نفسانی است. اینان تنها به تأویل آیات اکتفا کرده ظواهر آن را کنار گذاشتند.

هر کدام از این گروهها در حفظ اصول عقاید و مسلک خود اصرار داشتند و با همدیگر شدیداً به رقابت پرداختند.

مرحوم علامه طباطبائی در مقدمه تفسیر المیزان اعلام می دارد که با کمی تأمل و دقت می توان دریافت که تمام این روش های تفسیری در یک نقیصه بزرگ مشترکند و آن اینکه نتایج

بحث‌هایشان را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل کرده‌اند و تفسیر آنها سر از تطبیق درآورده، چون بسیاری از حقایق قرآن را مجاز دانسته و به تأویل متوسل شده‌اند و لازمه این گونه تفسیرها اینست که قرآن در عین حال که، «هدی الناس و بینات من الهدی و الفرقان»، «و تبیاناً لکل شیء» است وسیله هدایتش را از خارج تأمین کند، محتاج به بیان چیز دیگر باشد که با مذاق آیات قرآنی سازگار نیست.^۲

از طرف دیگر بر همگان روشن است که قرآن در کمال فصاحت و بلاغت نازل شده و یکی از شرایط فصاحت این است که ابهام و پیچیدگی نداشته باشد حتی آیات متشابه هم ذاتاً معنایش روشن است. و اختلاف بین مفسران در مصادیق و مواردی است که مضمون آیات بر آنها تطبیق گردیده نه در جمله بندی آیات و معانی آن و باید دانسته شود که استفاده از بحث‌های علمی برای فهم معارف قرآن دو صورت دارد نخست اینکه قبلاً مسئله‌ای طرح و مورد بررسی علمی و فاسفی قرار گرفته و نتیجه گیری شده و سپس آن را بعنوان یک حقیقت مسلم پذیرفته و آیات قرآنی را حمل بر آن کنند.

دوم اینکه توضیح و تفسیر آیات قرآن را از آیه دیگر استخراج کند و مصادیق و مفاهیم بوسیله خواصی که خود آیات بدست می‌دهد شناخته شود همان گونه که قرآن صراحت دارد: و نزلنا علیک الکتاب بتیاناً لکل شیء (نحل، ۸۹/۱۶) چگونه می‌شود قرآن برای همه چیز روشنگری داشته باشد ولی برای خودش نباشد، هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان (بقره، ۱۸۵/۲) چگونه متصور است که قرآن برای همه موجودات هدایتگر باشد ولی برای خودش نباشد و آیات دیگری نظیر این آیات در قرآن بسیار به چشم می‌خورد. گذشته از اینها با مطالعه درباره روش پیامبر اسلام و ائمه هدی (ع) در تفسیر قرآن چنین دریافت می‌شود که آن بزرگواران همواره قرآن را با خود قرآن تعلیم می‌دادند و آیات را با آیات قرآنی تفسیر فرموده و استشهاد می‌کردند. طبقه دوم مفسران تقریباً از اواخر قرن اول یا اوائل قرن دوم هجری به وسیله تابعان شروع و از مهم‌ترین قدم‌هایی که در پیشرفت تفسیر برداشته شد سه گام بزرگ بود.

۱. نقل احادیث تفسیری از رسول اکرم (ص).

۲. جمع آوری و مبوب ساختن احادیث تفسیری.

۳. استقلال بخشیدن به احادیث تفسیری و تدوین تفسیر قرآن.

از شخصیت‌های بزرگ مفسران این دوره می‌توان از سعید بن جبیر، مجاهد بن جبر مکی و عکرمه نام برد و به همین ترتیب در طی قرون متمادی در هر قرن‌ی عده‌ای از دانشمندان

اسلام‌شناس دست به تفسیر آیات قرآنی زدند که در کتب مختلف به ترتیب قرون از آنها نام برده شده، تا اینکه در قرن ششم هـ. ق زمخشری کتاب کشف را در علوم مختلف قرآن تألیف کرد و در آن، علوم و فنون بلاغت و نکته‌های بدیعی را به طور کامل بیان داشت و پس از آن شیخ طبرسی (م ۵۴۸) تفسیر مجمع البیان را با روشی بدیع و عالی تألیف کرد که مورد توجه محافل علمی قرار گرفت و بدین ترتیب تفسیر سیر تکاملی خود را پیموده تا در حال حاضر تفسیر المیزان علامه طباطبائی که بر اساس تفسیر قرآن به قرآن تألیف شده است و هنوز هم این روش ادامه دارد.

در قرن ششم نخستین تفسیر به زبان فارسی بر مذاق شیعه توسط ابوالفتوح رازی تألیف گردید که از جهات مختلف جامع نکات بسیار مهم تفسیری است که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

نگاهی به زندگی ابوالفتوح رازی

جمال الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی مؤلف تفسیر بزرگ روض الجنان و روح البیان^۳ معروف «به تفسیر ابوالفتوح رازی» از اولاد نافع بن بدیل و رقاء خزاعی از اصحاب معروف حضرت رسول الله (ص) می باشد. بنا به نوشته اکثر تذکره نویسان این خاندان همانند بسیاری مسلمانان عرب نژاد به ایران مهاجرت کرده و در شهرهای نیشابور، ری و دیگر جاها رحل اقامت افکنده و بعدها بر اثر طول اقامت در ایران بکلی فارسی زبان شدند، اما روشن نیست که اجداد ابوالفتوح چه زمانی به ایران آمده اند. ظاهراً هجرت آنان در سده های اول و دوم هجری صورت گرفته است گر چه سال تولد و وفات این عالم جلیل القدر به دقت دانسته نشده است ولی قدیمی ترین ترجمه حال او را دو نفر از معاصران و شاگردانش به نام :

۱. شیخ منتجب الدین ابوالحسن صاحب فهرست معروف (م بعد از سنه ۵۸۵)

۲. رشید الدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی معروف به ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) صاحب کتاب مشهور معالم العلماء آورده اند. شرح حال رازی گر چه در این دو کتاب در نهایت اختصار است و حاوی هیچ گونه اطلاعات تاریخی نیست ولی چون به قلم معاصران مؤلف است در نهایت اهمیت می باشد. ترجمه عبارت منتجب الدین بقرار ذیل است :

شیخ امام جمال الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی عالم،

واعظ، مفسر و متدین، او را تصانیفی است از جمله تفسیر موسوم به روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن در بیست مجلد و روح الاحباب فی شرح شهاب الاخبار که هر دو کتاب را من بر مؤلف قرائت کردم.

و ابن شهر آشوب هم در کتاب معالم العلماء چنین می گوید:

استاد من ابوالفتوح بن علی رازی، از تألیفات اوست روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن به زبان فارسی ولی عجیب (یعنی خوش آیند و مطبوع) و همو در کتاب دیگر خود به نام مناقب آل ابی طالب معروف به مناقب ابن شهر آشوب در ضمن تعداد مشایخ خود یکی همین مؤلف تفسیر ابوالفتوح را می شمارد.^۴

پس از این دو بزرگوار، تذکره نویسان و دانشمندان نیز در کتابهایشان به شرح حال ابوالفتوح اشاره کرده اند از جمله حمدالله مستوفی در نزهة القلوب، ملا احمد اردبیلی در حدیقة الشیعه، قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین، محمد باقر خوانساری در روضات الجنات، ملا محمد باقر واعظ تهرانی در جنة النعیم فی احوال عبدالعظیم و بالاخره حاج میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل و... مرحوم نوری در مستدرک ترجمه مفصل و مبسوطی از مؤلف و خاندان و مشایخ او و نیز وصف مفیدی از تفسیرش دارد. ولی تقریباً هیچ کدام متعرض تاریخ دقیق تولد و وفات او نشده اند. تاریخ شروع و یا اتمام تفسیرش هم مشخص نیست. ولی از روی قرائن و امارات خارجی در مجموع چنین نتیجه گیری می شود که تفسیر مؤلف از اواخر قرن پنجم تا اواسط قرن ششم بوده و ولادتش هم حدوداً از سال ۴۸۰ به بعد و وفاتش از سال ۵۵۶ به بعد می باشد. بنابراین تألیف تفسیرش ما بین سنوات ۵۱۰ تا ۵۵۶ می باشد.

صاحب کتاب بزرگان ری در آخر بررسی احوال ابوالفتوح این جمله را دارد:

وقتی جست و جوی چندین ساله برای یافتن نکته تازه در شرح احوال آن بزرگوار بجایی نرسید، به دهها نسخه خطی مهم و بعضاً نادرالوجود امید بسته بودم که در آغاز و انجام برخی از آنها یادداشت هایی از روزگاران پیش به خط کاتبان و قاریان دلسوخته ایام گذشته به چشم می خورد که در میان آنها یادداشت زیر به خط ثلث در ذیل یکی از نسخه های محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی آمده است که با احترام القاب و نعوت از شیخ ابوالفتوح یاد کرده که مقام و پایگاه علمی او را در چشم و دل شیعیان و معتقدان او نشان می دهد: و آن عبارت این بود.

الجزء السابع و الثامن و التاسع و العاشر من كتاب روض الجنان فى تفسير القرآن جمعه شيخ الاجل الاوحد الامام الرئيس جمال الملة و الدين قطب الاسلام و المسلمين شرف الائمة فخر العلماء مفتى الطائفة سلطان المفسرين ترجمان كلام الله المبين ، الحسين بن على بن محمد ابوالفتوح الخزاعى الرازى رحمة الله عليه .⁵
شيخ ابوالفتوح رازى بنا بر وصيت خود در شهر رى کنار مرقد حضرت عبدالعظيم حسنى بخاک سپرده شده که مزارش زیارتگاه عاشقان و شیعیان و شیفتگان آن عالم بزرگوار می باشد .

تفسیر و مفسران

تفسیر در لغت به معنی بیان و آشکار ساختن و روشنی است و اصطلاحاً عبارت است از توضیح و رفع ابهام اجمال و گشودن گره‌های لفظی و معانی قرآن . در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود قرآن که در کمال فصاحت و بلاغت است و خداوند قادر به روشن ترین و شیواترین بیانهها است پس چرا عبارات آیه‌های قرآن نیازمند تفسیر باشد؟ دانشمندان علوم قرآنی به این سؤال پاسخ داده‌اند که : کلام الهی بر وفق اسلوب زبان بشری است لذا در آن کنایه، استعاره، مجاز، حقیقت، تشبیه و سایر فنون ادبی بکار گرفته شده و دارای ترکیبات و عباراتی است، گر چه در زمان حیات رسول الله مشکلی نداشت ولی با گذشت زمان طبعاً صراحت معانی تا اندازه‌ای در پرده ابهام فرو رفت و لذا به شرح و بیان و کشف حجاب از معانی اعم از تفسیر، تأویل و ترجمه نیاز پیدا کرد و فصحای هر قوم هم در کمال فصاحت به ادای معانی پرداختند.

میر سید شریف جرجانی، سیوطی و سایر دانشمندان قرآن شناس برای تفسیر معانی دیگری هم ذکر کرده‌اند، با توجه به اینکه هنر تفسیر از هنرهای است که رموز و فنون زیاد دارد و از دیرباز دانشمندان درباره چگونگی آن به بحث و گفت و گو پرداخته و در نتیجه چنین اظهار نظر کرده‌اند : کسانی می توانند به تفسیر قرآن بپردازند که جامع علوم پانزده گانه باشند و سیوطی در الاتقان آنها را شمرده از جمله صرف و نحو، معانی، بیان، اصول و... و بدین ترتیب تفسیر، أم العلوم قرآن نامیده می شود که مفسر علاوه بر احاطه به تمام علوم قرآنی در بسیاری از علوم عقلی و نقلی بویژه در حدیث، فقه، اصول، کلام، منطق و... باید تبحر کافی داشته باشد. احتیاط علمی و ادب شرعی هم حکم می کند که مفسر هر اندازه آراسته به انواع علوم و فنون آن باشد پیش از آغاز تفسیر باید به منابع و مصادر اصلی تفسیر که عبارتند از مصادر نقلی، عقلی و لغوی مراجعه و احاطه کامل داشته باشد تا بتواند معارف و مفاهیم قرآن را بطور دقیق بررسی و برای تفهیم عامه مردم ارائه نماید .

نخستین تفسیر فارسی شیعه

بیش از چهارده قرن از نزول قرآن مجید می‌گذرد، از صدر اسلام تا کنون دانشمندان اسلامی همه‌توان و تخصص خود را در پای تفسیر و تبیین احکام این کتاب عظیم مصروف داشته‌اند. ارباب ادب و اصحاب بلاغت از محور ادبی، دقایق و ظرایف کلمات و الفاظ نورانی قرآن را مورد دقت قرار داده‌اند، متکلمان و حکمای اسلامی برهان گشوده و روش تعقلی و مبانی و قواعد فلسفی را به خدمت تفسیر آورده‌اند، عرفاً از معرفت شهودی استمداد جسته و در حوزه لطیف عرفانی به‌کند و کاو حقایق قرآنی پرداخته‌اند. فقها نیز از منبع فیض آیات الاحکام بویژه در عصر غیبت در اجتهاد و استنباط احکام از این دریای نور بهره‌مند شده‌اند، علمای اخلاق نیز در بُعد اخلاقی آیات الهی را برای ارشاد مردم مورد امعان نظر قرار داده و قلوب را به نور قرآن منور ساخته‌اند و بطور کلی می‌توان گفت هر گروهی بقدر طاعت و بضاعت علمی‌اش در این بحر عمیق برای فهم (مراد الله) به غواصی پرداخته و هر کسی بقدر ظرفیتش از این آب حیات نوشیده و بر اساس مرتبه علمی و تقوایی‌اش از نور این کتاب مبین بهره‌برده است.

می‌نویسند سنت تفسیر نویسی فارسی برای فهم مسلمانان فارسی زبان از دو قرن پیش از تفسیر ابوالفتوح سابقه داشته اما از جهت کیفیت و کمیت چندان مطلوب نبود تا اینکه ابوالفتوح رازی تفسیر *روض الجنان* و *روح الجنان* را در قرن ششم تألیف کرد. چون نخستین تفسیر فارسی بر مذاق شیعه است لذا اولین تفسیر فارسی نامیده شده. تفسیر ابوالفتوح از معروف‌ترین و غنی‌ترین تفاسیر شیعه است و از جهات مختلف جامع نکات بسیار مهم تفسیری، لغوی، فقهی، روایی، کلامی و دقایق صرفی و نحوی است و استشهاد به اشعار عربی در آن بسیار دیده می‌شود.

مؤلف در مقدمه تفسیرش می‌نویسد:

پس چون جماعت دوستان و بزرگان از امائل و اهل علم و تدین اقتراح کردند که در این باب جمعی باید کردن، چه اصحاب ما را تفسیری نیست مشتمل بر این انواع، واجب دیدم اجابت کردن ایشان و وعده دادن به دو تفسیر: یکی به پارسی و یکی به تازی، جز که پارسی مقدم شد بر تازی برای آنکه طالبان این بیشتر بودند و فایده هر کس به دو عامتر بود. و این کتاب - انشاء الله - از میانه اطناب و اختصار بود، اطنابی

که ممل نباشد و اختصاری که مخل نباشد.^۶

گویند گر چه شیخ به دو تفسیر وعده داده بوده یکی به عربی و دیگری به فارسی، گویا به تألیف تفسیر عربی موفق نشده است ولی شاگردانش شیخ منتجب الدین و ابن آشوب به این تفسیر اشاره‌ای نکرده‌اند، قاضی نور الله شوشتری این تفسیر و مؤلفش اش را چنین ستوده:

قدوة المفسرین شیخ ابوالفتوح رازی الحسین بن علی بن احمد خزاعی از اعلام علمای تفسیر و عظمای ادبای انام است. از خاندان فضل و بزرگی و اولاد امجاد و رقاء الخزاعی.

سیر اجمالی در شیوه تفسیر ابوالفتوح

در طبقات مفسران شیعه، شیخ ابوالفتوح رازی صاحب کتاب تفسیر ابوالفتوح را جزء طبقه ششم و مفسران قرن ششم محسوب می‌دارند تفسیرش از قدیمی‌ترین تفسیر مفصل فارسی بر مذاق شیعه است که از آغاز تألیف مورد توجه فریقین قرار گرفت و از شهرت عظیم برخوردار گردید که دانشمندان دیگر از آن بهره‌جسته‌اند و جنبه شیعی در آن قوی‌تر از مجمع البیان و البیان مشاهده می‌شود و به شیوه کلامی، ادبی، تألیف گردیده. مفسر نخست قطعه‌ای از آیات قرآن کریم را می‌آورد سپس به تفسیر آنها از جنبه ادبی، لغوی می‌پردازد و از اقوال مفسران پیش از خود و از احادیث و روایات ائمه اطهار (ع) استفاده کرده و در مرحله بعدی از اخبار اهل تسنن نیز بهره می‌گیرد. شواهدی شعری برای بیان مفردات آیات اعم از شعر فارسی و عربی بیشتر از تفسیر طبری و کشاف است و در حل مشکلات زبانی و لغوی آیات، به اشعار عربی بیشتر تمثل جسته و در بیان تفسیر مفردات و ترکیبات و مشکلات آیات از همین سنت استشهاد به شعر بهره‌مند گشته. جنبه کلامی در تفسیرش معتدل و متوسط است با توجه به اینکه خودش جزء خطبا و وعاظ برجسته بوده طبیعتاً گرایش خاصی به ذکر قصص و تاریخ داشته، بنابراین می‌توان گفت تفسیرش سبک و اعظانه را هم درباره اعتقادات کلامی و فقهی دارا است که برای رعایت فهم و حال مخاطبان عامه فارسی زبان بوده، چنانکه گاهی هم به مشرب عرفا و صوفیه که آنان را اهل اشارت می‌خواند نزدیک شده و مبانی برخی مسائل اخلاقی مانند: اخلاص، توکل، ذکر، صبر، فقر، صدق را هم بر مذاق آنها طرح کرده و بدین جهت در شیوه کارش معتدل است.

سبک نگارش تفسیر ابوالفتوح

تفسیر ابوالفتوح به طور کلی از نظر سبک نگارش در طرز جمله بندی به کتب قرن پنجم

شبهت بیشتر دارد و غالباً سلیقه‌های آن عصر در نگارش کتابش دیده می‌شد و از جهت شیوه نثر چون این تفسیر تقریباً در نیمه اول قرن ششم به رشته تحریر در آمده، دنباله شکوفایی نثر مرسل و ساده است که در قرن پنجم و ششم رواج داشته که قابوسنامه و دیگر کتب این دوره بدان نثر نوشته شده اما به تدریج به نثر فارسی به سبک مصنوع و محشون به موازات مسجع‌ها و صنایع لفظی و معنوی نزدیک می‌شود که متون آن زمان به الفاظ و اشعار عربی و آیات و احادیث آراسته می‌گردید که نوع دلپذیر آن نثر کللیله و دمنه بهرامشاهی و در قرن بعد گلستان سعدی و نوع متکلف آن تاریخ و صاف است.

بنابراین می‌توان گفت که نثر تفسیر ابوالفتح حالت بینابین دارد که هم نثر مرسل ساده و هم آثار مسجع و حتی متکلف در جای جای آن دیده می‌شود و شواهد زیادی از اشعار عربی در استعمال لغات مستند قرار گرفته است، مؤلف این کتاب به یقین از تفاسیر عربی قبل از خود مانند تفسیر تبیان و کشاف سود برده و از تفاسیر فارسی کم‌تر تأثیر پذیرفته است. اما در تفاسیر فارسی بعد از خودش مانند منهج الصادقین تأثیر بسزایی گذاشته است.

در سبک نگارش از اصطلاحات عصر خود بهره گرفته از جمله جمع مخاطب را به صورت مفرد آورده و در ترجمه آیات هم بکار برده مانند: انتم تعلمون را «شما می‌دانی» و ان کنتم فی ریب را اگر می‌باشی در شک ترجمه کرده و در فعل ماضی متکلم مع الغیر را بکار گرفته ا رفتمانی، گفتمانی بجای رفتیم و گفتیم و بجای نازل کردن انزله بکار برده و همچنین اصطلاحات دیگر که آقای شعرانی در مقدمه تفسیر در ص ۲۱ به بسیاری از آنها اشاره کرده. در عین حال از جهت فصاحت لفظ و بلاغت و لطف عبارت بر تفاسیر شیعه رحجان دارد با اینکه مؤلف عرب نژاد است. در نثر فصیح فارسی و شیرینی کلمات بیانش بر تفاسیر دیگر برتری دارد گرچه عباراتش برای مردم زمان ما اندکی غیر مأنوس به نظر می‌رسد، در ادب، بیان، صرف و نحو و امثال آن غایت کوشش را دارد، در عین حال که تفسیر کشاف مؤلفش زمخشری استاد بزرگ فن است و ابوالفتح به استادی او اعتراف دارد و او را از مشایخ خود می‌شمارد، به اندازه تفسیر ابوالفتح تحقیق لغوی و ادبی ندارد و در علم کلام طریق متوسط دارد و در آن به بیش از سایر تفسیرها مداخله نکرده است، در قصص انبیای گذشته از عرائس ثعلبی فراوان نقل کرده با وجود اینکه در عرائس اخبار ضعیف زیاد وجود دارد، لذا خواننده این تفسیر را به شگفتی و اعتماد دارد که عالم بزرگواری مثل ابوالفتح چگونه به این اخبار اعتماد کرده، در صورتی که اعتماد بر روایت غیر ائمه معصومین را مطلقاً جایز نمی‌دانست ولی می‌توان گفت چون قصص منشأ

حکمی از احکام شرعی نیست لذا نقلش چندان عیبی شمرده نمی شود.

چگونگی شروع تفسیر ابوالفتوح

مؤلف تفسیرش را با ستایش و درود بر رسول گرامی و خاندانش شروع و طی فصول مختلف رؤس برنامه را تنظیم و نسبت به بیان اقسام معانی قرآن و بیان تفسیر که بر چند وجه است توضیحاتی داده و در اقسام آیات قرآنی به شش وجه محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص اشاره و همه را توضیح داده است و در فصل دیگر اسامی قرآن در حدود ۴۳ نام مانند قرآن، فرقان، کتاب، ذکر، تنزیل، هدی، هادی و نظایر آن یادآور شده و برای هر کدام از آیات قرآن استشهاد گرفته مانند: ان هذا القرآن یهدی للنی هی اقوم (اسراء، ۹/۱۷) برای قرآن؛ تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده (فرقان، ۱/۲۵) برای فرقان؛ الم. ذلک الکتاب (بقره، ۲-۱/۲) برای کتاب، هذا ذکر مبارک (انبیاء، ۵۰/۲۱) برای ذکر...، برای تمام اسامی قرآن آیه ذکر کرده است آنگاه در معنی سوره و آیه و کلمه برای هر کدام توضیحاتی داده و شواهدی از اشعار عرب آورده است، فصلی هم در ثواب خواننده قرآن باز کرده و از رسول اکرم (ص) روایاتی نقل کرده از جمله روایت شهر بن حوشب از رسول الله: فضل القرآن علی سایر الکلام کفضل الله علی خلقه و فصلی دیگر در معنی تفسیر و تأویل و اصول این کلمات از حیث معنی و مفهوم بحث کرده و شواهدی ارائه داده، آنگاه شروع به تفسیر سوره حمد کرده و برای سوره حمد ده اسم ذکر کرده: فاتحه الکتاب، ام الکتاب، سبع المثانی، الوافی، الشافی، الکافی، الاساس، الصلاه و الحمد، و برای هر یک از آنها خبری و اثری گرفته و به تفسیر خود ادامه داده است. در خاتمه باید عرض کنم با پوزش از اندیشمندان و قرآن شناسان این مقاله قطره‌ای از دریای تفسیر ابوالفتوح بوده که برای تیمن و تبرک عرضه شد. ضمناً بنا به نوشته آقای خرمشاهی این تفسیر تا کنون ۴ بار به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱. در سال ۱۳۲۳ هجری در ۵ مجلد، به اهتمام محمد کاظم طباطبائی تبریزی و سید نصراله تقوی.

۲. در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی، به اهتمام مهدی الهی قمشه‌ای در ۱۰ مجلد.

۳. در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی، با تصحیح آقای شعرانی و همکاری غفاری در ۱۲ جلد همراه با فرهنگ لغات.

۴. به کوشش و تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح در بنیاد

پژوهش‌های اسلامی که تا کنون تقریباً ۱۷ مجلد از آن انتشار یافته و بقیه در دست انتشار است و بدین ترتیب مجامع علمی و دانشمندان همواره با تکریم و تعظیم به این تفسیر نگرسته‌اند و این تفسیر بزرگ‌ترین مرجع قرآن پژوهان و اسلام‌شناسان بوده و هست.

نتیجه‌گیری

از مجموع نوشتار دانشمندان علوم قرآنی و مفسران بزرگ اسلام چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تعلیم و تعلم علوم قرآن مجید برای درک مفاهیم و معارف قرآن و احکام آن یکی از ضروریات اجتماع مسلمانان جهان است. بنابراین تا زمان حیات پیامبر گرامی اسلام (ص) مردم در معرفت دینی مشکلی نداشتند زیرا آن حضرت در خور فهم همگان قرآن را تعلیم می‌دادند و پس از آن این روش بوسیله ائمه اطهار (ع) و صاحب‌و تابعان ادامه پیدا کرد و هر قرن از اعصار قرآن‌شناسان و مفسران از سعی و کوشش در راه اشاعه و تفهیم قرآنی دریغ نداشتند و این روش از قرن دوم هجری شروع و هنوز هم ادامه دارد، حتی برای فارسی‌زبانان تفسیرهایی به زبان فارسی نوشته شده که از مهم‌ترین و غنی‌ترین آنها می‌توان تفسیر ابوالفتح رازی را نام برد که در قرن ششم هجری قمری بوسیله عالم جمیل القدر جمال الدین بن علی محمد بن خزاعی بنام تفسیر روض الجنان و روح الجنان معروف به تفسیر ابوالفتح رازی به رشته تحریر در آمده که از آن تاریخ مورد استفاده مجامع و محافل علمی و عامه مردم قرار گرفته است.

رتال جامع علوم انسانی

۱. ر. ک: ابوالفتح رازی، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ۴/۲۲۴؛ سیوطی، الاتقان، ۲/۲۹۶.
۲. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱/۷.
۳. و در برخی از کتب روض الجنان و روح الجنان، در اولی با کسر ج و در دومی با فتح آمده است.
۴. بزرگان ری، محسن صادقی/ ۷۲ تا ۷۵.
۵. همان/ ۱۰۷.
۶. مقدمه تفسیر ابوالفتح رازی.